۞ قَالَ أَلَمۡ أَقُل لَّكَ إِنَّكَ لَن تَسۡتَطِيعَ مَعِيَ صَبۡرٗا ﴿٧٥﴾ قَالَ إِن
گفت آیا نگفته بودم به تو که همانا تو نتوانی با من شکیبایی را (۷۵) گفت [موسی] اگر

سَأَلۡتُكَ عَن شَيۡءِۭ بَعۡدَهَا فَلَا تُصَٰحِبۡنِيۖ قَدۡ بَلَغۡتَ مِن لَّدُنِّي عُذۡرٗا
پرسم تو را از چیزی بعد از این پس همراه مگیر مرا که رسیده ای از جانب من به عذری

﴿٧٦﴾ فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَآ أَتَيَآ أَهۡلَ قَرۡيَةٍ ٱسۡتَطۡعَمَآ أَهۡلَهَا فَأَبَوۡاْ
(۷۶) پس هر دو به راه افتادند تا چون رسیدند به مردم آبادی ای که غذا خواستند از اهل آن پس دریغ کردند

أَن يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارٗا يُرِيدُ أَن يَنقَضَّ فَأَقَامَهُۥۖ
که مهمانی کنند آنان را پس یافتند هر دو در آنجا دیواری را که می‌خواست بیفتد پس برپا داشت [آن نیکمرد] آن را

قَالَ لَوۡ شِئۡتَ لَتَّخَذۡتَ عَلَيۡهِ أَجۡرٗا ﴿٧٧﴾ قَالَ هَٰذَا فِرَاقُ بَيۡنِي
گفت [موسی] اگر می‌خواستی هر آینه می‌گرفتی بر آن مزدی را (۷۷) گفت [آن نیکمرد] این [هنگام] جدایی میان من

وَبَيۡنِكَۚ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأۡوِيلِ مَا لَمۡ تَسۡتَطِع عَّلَيۡهِ صَبۡرًا ﴿٧٨﴾ أَمَّا
و تو است اکنون آگاه سازم تو را به حقیقت فرجام آنچه نتوانستی بر آن شکیبایی را (۷۸) اما

ٱلسَّفِينَةُ فَكَانَتۡ لِمَسَٰكِينَ يَعۡمَلُونَ فِي ٱلۡبَحۡرِ فَأَرَدتُّ أَنۡ أَعِيبَهَا
آن کشتی پس بود برای بینوایانی که کار می‌کردند در دریا پس خواستم که معیوب کنم آن را

وَكَانَ وَرَآءَهُم مَّلِكٞ يَأۡخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصۡبٗا ﴿٧٩﴾ وَأَمَّا ٱلۡغُلَٰمُ
و بود درپس آنان پادشاهی که می‌گرفت هر کشتی [سالم] را به زور (۷۹) و اما آن نوجوان

فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤۡمِنَيۡنِ فَخَشِينَآ أَن يُرۡهِقَهُمَا طُغۡيَٰنٗا وَكُفۡرٗا
پس بودند پدر و مادر او دو مؤمن پس ترسیدیم که وا دارد ایشان را به سرکشی و کفری

﴿٨٠﴾ فَأَرَدۡنَآ أَن يُبۡدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيۡرٗا مِّنۡهُ زَكَوٰةٗ وَأَقۡرَبَ رُحۡمٗا
(۸۰) پس خواستیم که عوض دهد ایشان را پروردگارشان بهتر از وی از روی پاکیزگی و نزدیک تر از حیث مهربانی

﴿٨١﴾ وَأَمَّا ٱلۡجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَٰمَيۡنِ يَتِيمَيۡنِ فِي ٱلۡمَدِينَةِ وَكَانَ
(۸۱) و اما آن دیوار پس بود برای دو نوجوان یتیم در آن شهر و بود

تَحۡتَهُۥ كَنزٞ لَّهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَٰلِحٗا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَن يَبۡلُغَآ
زیر آن گنجی برای ایشان و بود پدرشان شایسته کار پس خواست پروردگار تو که برسند آن دو

أَشُدَّهُمَا وَيَسۡتَخۡرِجَا كَنزَهُمَا رَحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَۚ وَمَا فَعَلۡتُهُۥ
به نهایت قوّت خود و بیرون آورند گنج خود را از روی بخشایشی از پروردگار تو و نکردم آن [کار] را

عَنۡ أَمۡرِيۚ ذَٰلِكَ تَأۡوِيلُ مَا لَمۡ تَسۡطِع عَّلَيۡهِ صَبۡرٗا ﴿٨٢﴾ وَيَسۡـَٔلُونَكَ
به فرمان خود این است حقیقت فرجام آنچه که نتوانستی بر آن شکیبایی را (۸۲) و می پرسند از تو

عَن ذِي ٱلۡقَرۡنَيۡنِۖ قُلۡ سَأَتۡلُواْ عَلَيۡكُم مِّنۡهُ ذِكۡرًا ﴿٨٣﴾
درباره ذوالقرنین بگو به زودی خواهم خواند بر شما از [حال] وی یادی را (۸۳)

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُۥ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَءَاتَيۡنَٰهُ مِن كُلِّ شَيۡءٖ سَبَبٗا ﴿٨٤﴾ فَأَتۡبَعَ سَبَبًا
همانا ما توانمندی دادیم به او در زمین و دادیم به او از هر چیزی سررشتهٔ [آن را] ﴿٨٤﴾ پس درپی گرفت راهی را

﴿٨٥﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ مَغۡرِبَ ٱلشَّمۡسِ وَجَدَهَا تَغۡرُبُ فِي عَيۡنٍ حَمِئَةٖ
﴿٨٥﴾ تا چون رسید جای فروشدن آفتاب یافت آن را که فرو می رود در چشمه ای گل آلود

وَوَجَدَ عِندَهَا قَوۡمٗاۗ قُلۡنَا يَٰذَا ٱلۡقَرۡنَيۡنِ إِمَّآ أَن تُعَذِّبَ وَإِمَّآ أَن تَتَّخِذَ
و یافت نزد آن قومی را گفتیم ای ذوالقرنین یا عذاب می کنی و یا درپیش می گیری

فِيهِمۡ حُسۡنٗا ﴿٨٦﴾ قَالَ أَمَّا مَن ظَلَمَ فَسَوۡفَ نُعَذِّبُهُۥ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِۦ
در میان ایشان [روش] نیکویی را ﴿٨٦﴾ گفت اما کسی که ستم ورزد پس عذاب خواهیم کرد او را سپس بازگردانیده شود به سوی پروردگارش

فَيُعَذِّبُهُۥ عَذَابٗا نُّكۡرٗا ﴿٨٧﴾ وَأَمَّا مَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَلَهُۥ جَزَآءً
پس عذاب کند او را عذابی سخت ﴿٨٧﴾ و اما آنکه ایمان آورد و کند کاری شایسته پس برای اوست پاداشی

ٱلۡحُسۡنَىٰۖ وَسَنَقُولُ لَهُۥ مِنۡ أَمۡرِنَا يُسۡرٗا ﴿٨٨﴾ ثُمَّ أَتۡبَعَ سَبَبًا ﴿٨٩﴾ حَتَّىٰٓ
نیکوتر و خواهیم گفت به او از فرمان خود آسانی را ﴿٨٨﴾ باز درپی گرفت راهی را ﴿٨٩﴾ تا

إِذَا بَلَغَ مَطۡلِعَ ٱلشَّمۡسِ وَجَدَهَا تَطۡلُعُ عَلَىٰ قَوۡمٖ لَّمۡ نَجۡعَل لَّهُم مِّن
چون رسید به جای برآمدن آفتاب یافت آن را که برمی آمد بر قومی که قرار نداده بودیم برای ایشان در

دُونِهَا سِتۡرٗا ﴿٩٠﴾ كَذَٰلِكَۖ وَقَدۡ أَحَطۡنَا بِمَا لَدَيۡهِ خُبۡرٗا ﴿٩١﴾ ثُمَّ أَتۡبَعَ
برابر آن[آفتاب] پوششی را ﴿٩٠﴾ اینچنین بود و به تحقیق احاطه داشتیم به آنچه نزد او بود آگاهی ﴿٩١﴾ باز درپی گرفت

سَبَبًا ﴿٩٢﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ بَيۡنَ ٱلسَّدَّيۡنِ وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوۡمٗا
راهی را ﴿٩٢﴾ تا چون رسید در میان دو کوه یافت در پس آن[دو کوه] قومی را که

لَّا يَكَادُونَ يَفۡقَهُونَ قَوۡلٗا ﴿٩٣﴾ قَالُواْ يَٰذَا ٱلۡقَرۡنَيۡنِ إِنَّ يَأۡجُوجَ وَمَأۡجُوجَ
نزدیک نبودند که بفهمند سخنی را [هیچ زبانی را نمی فهمیدند] ﴿٩٣﴾ گفتند ای ذوالقرنین همانا یاجوج و ماجوج

مُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَهَلۡ نَجۡعَلُ لَكَ خَرۡجًا عَلَىٰٓ أَن تَجۡعَلَ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَهُمۡ
فسادکنندگانند در زمین پس آیا قرار دهیم برای تو هزینه‌ای را بر اینکه بسازی میان ما و میان ایشان

سَدّٗا ﴿٩٤﴾ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيۡرٞ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجۡعَلۡ بَيۡنَكُمۡ
سدّی را؟ ﴿٩٤﴾ گفت آنچه توانمند کرده است مرا در آن پروردگار من بهتر است پس یاری دهید مرا با نیرویی که بسازم میان شما

وَبَيۡنَهُمۡ رَدۡمًا ﴿٩٥﴾ ءَاتُونِي زُبَرَ ٱلۡحَدِيدِۖ حَتَّىٰٓ إِذَا سَاوَىٰ بَيۡنَ ٱلصَّدَفَيۡنِ
و میان ایشان بندی استوار ﴿٩٥﴾ بیاورید برایم پاره های آهن تا وقتی که برابر ساخت میان آن دو کوه را

قَالَ ٱنفُخُواْۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَعَلَهُۥ نَارٗا قَالَ ءَاتُونِيٓ أُفۡرِغۡ عَلَيۡهِ قِطۡرٗا
گفت بدمید تا آنگاه گردانید آن را آتشی [گداخته] گفت بیاورید برای من تا بریزم بر آن[دیوار] مس گداخته را

﴿٩٦﴾ فَمَا ٱسۡطَٰعُوٓاْ أَن يَظۡهَرُوهُ وَمَا ٱسۡتَطَٰعُواْ لَهُۥ نَقۡبٗا ﴿٩٧﴾
﴿٩٦﴾ پس نه می توانستند که بالا روند از آن و نه می توانستند آن را سوراخ [کنند] ﴿٩٧﴾

ربع حزب ۳۱

قَالَ هَٰذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي فَإِذَا جَآءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُۥ دَكَّآءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي
گفت این رحمتی است از پروردگار من پس چون بیاید وعدهٔ پروردگار من گرداند آن را هموار و هست وعدهٔ پروردگار من

حَقًّا ﴿٩٨﴾ ۞ وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ
حق ۹۸ و رها می‌کنیم ما برخی ایشان را آن روز که موج بزنند در برخی دیگر [=در یکدیگر بلولند] و دمیده شود در صور

فَجَمَعْنَٰهُمْ جَمْعًا ﴿٩٩﴾ وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَٰفِرِينَ عَرْضًا ﴿١٠٠﴾
پس گرد آوریم آنان را همگی ۹۹ و عرضه نماییم جهنم را در آن روز برای کافران عرضه نمودنی ۱۰۰

ٱلَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَآءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا۟ لَا يَسْتَطِيعُونَ
آنان که بود چشم هایشان در پوششی از یاد من و نمی توانستند

سَمْعًا ﴿١٠١﴾ أَفَحَسِبَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَن يَتَّخِذُوا۟ عِبَادِي مِن دُونِيٓ
شنیدن [سخن حق را] ۱۰۱ آیا پنداشتند کسانی که کفر ورزیدند که می گیرند بندگانم را به جای من

أَوْلِيَآءَ إِنَّآ أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَٰفِرِينَ نُزُلًا ﴿١٠٢﴾ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُم بِٱلْأَخْسَرِينَ
کارسازان همانا ما مهیا ساخته ایم دوزخ را برای کافران [سرای] پذیرایی ۱۰۲ بگو آیا خبر دهیم به شما به زیانکارترین [مردم]

أَعْمَٰلًا ﴿١٠٣﴾ ٱلَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ
از جهت عمل؟ ۱۰۳ آنانی که تباه شد کوشش ایشان در زندگانی دنیا و ایشان می پندارند که آنها

يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿١٠٤﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ وَلِقَآئِهِۦ
نیکو می کنند کار را ۱۰۴ آنان کسانی اند که کافر شدند به نشانه های پروردگار خود و دیدار او

فَحَبِطَتْ أَعْمَٰلُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَزْنًا ﴿١٠٥﴾ ذَٰلِكَ جَزَآؤُهُمْ
پس تباه گردید اعمالشان پس نخواهیم گذاشت برای شان روز رستاخیز ارزشی را ۱۰۵ این است جزای شان

جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوا۟ وَٱتَّخَذُوٓا۟ ءَايَٰتِي وَرُسُلِي هُزُوًا ﴿١٠٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟
دوزخ به سبب آنکه کفر ورزیدند و گرفتند آیات مرا و پیامبرانم را به ریشخند ۱۰۶ همانا آنان که ایمان آوردند

وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّٰتُ ٱلْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿١٠٧﴾ خَٰلِدِينَ
و کردند کارهای شایسته هست برای شان باغ‌های فردوس [سرای] مهمانی ۱۰۷ جاودانه اند

فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ﴿١٠٨﴾ قُل لَّوْ كَانَ ٱلْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَٰتِ رَبِّي
در آن نمی جویند از آنجا انتقالی را ۱۰۸ بگو اگر باشد دریا مرکب برای [نوشتن] سخنان پروردگار من

لَنَفِدَ ٱلْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَٰتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِۦ مَدَدًا ﴿١٠٩﴾ قُلْ
هر آینه پایان می یابد دریا پیش از آنکه پایان یابد کلمات پروردگار من و اگرچه بیاوریم به مانند آن کمکی را ۱۰۹ بگو

إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا۟
جز این نیست که من بشری مثل شمایم که وحی فرستاده می‌شود به سوی من که اله شما اله یگانه است پس هرکس که امید دارد

لِقَآءَ رَبِّهِۦ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَٰلِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِۦٓ أَحَدًۢا ﴿١١٠﴾
به دیدار پروردگار خود پس باید بکند کاری شایسته و شریک نسازد در عبادت پروردگار خود کسی را ۱۱۰

ترتیبها ۱۹ سُورَةُ مَريَمَ آیاتها ۹۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گسترِ مهربان

كٓهيعٓصٓ ﴿۱﴾ ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُۥ زَكَرِيَّآ ﴿۲﴾
کاف، ها، یا، عین، صاد (۱) [این] یاد رحمت پروردگار تو بر بنده اش زکریاست (۲)

إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُۥ نِدَآءً خَفِيًّا ﴿۳﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ ٱلْعَظْمُ
آنگاه که ندا کرد پروردگار خود را به ندایی پنهان (۳) گفت [ای] پروردگارم همانا من سست شده استخوان

مِنِّي وَٱشْتَعَلَ ٱلرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنۢ بِدُعَآئِكَ رَبِّ
من و برافروخته [سپید] گشته است سر [من] از پیری و نبوده ام به درخواست از تو [ای] پروردگارم

شَقِيًّا ﴿۴﴾ وَإِنِّي خِفْتُ ٱلْمَوَٰلِيَ مِن وَرَآءِي وَكَانَتِ
محروم [از اجابت] (۴) و همانا من می ترسم از خویشاوندان بعد از خود و هست

ٱمْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا ﴿۵﴾ يَرِثُنِي وَيَرِثُ
زن من نازا پس عطا کن به من از جانب خود وارثی [فرزندی را] (۵) که ارث بَرَد مرا و ارث بَرَد

مِنْ ءَالِ يَعْقُوبَ ۖ وَٱجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ﴿۶﴾ يَٰزَكَرِيَّآ
از خاندان یعقوب و بگردان او را [ای] پروردگارم پسندیده (۶) ای زکریا

إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَٰمٍ ٱسْمُهُۥ يَحْيَىٰ لَمْ نَجْعَل لَّهُۥ مِن قَبْلُ سَمِيًّا
همانا ما مژده می دهیم تو را به پسری که نام او یحیی است که نگردانیده ایم برای او پیش از این همنامی را

﴿۷﴾ قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَٰمٌ وَكَانَتِ ٱمْرَأَتِي
(۷) گفت [ای] پروردگارم از کجا باشد برای من پسری حال آنکه هست زن من

عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ ٱلْكِبَرِ عِتِيًّا ﴿۸﴾ قَالَ كَذَٰلِكَ
نازا و به تحقیق رسیده ام از سبب کلان سالی به فرتوتی (۸) گفت چنین است

قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِن قَبْلُ وَلَمْ تَكُ
گفت پروردگار تو که این کار بر من آسان است و هر آینه آفریدم تو را پیش از این حال آنکه نبودی

شَيْـًٔا ﴿۹﴾ قَالَ رَبِّ ٱجْعَل لِّيٓ ءَايَةً ۚ قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا
چیزی (۹) گفت [زکریا] [ای] پروردگارم قرار ده برای من نشانی را فرمود نشانی تو این است که

تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ﴿۱۰﴾ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِۦ
سخن نتوانی گفت با مردم سه شبانه روز درحالی که تندرست باشی (۱۰) پس بیرون آمد بر قوم خود

مِنَ ٱلْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰٓ إِلَيْهِمْ أَن سَبِّحُوا۟ بُكْرَةً وَعَشِيًّا ﴿۱۱﴾
از محراب پس اشاره کرد به سوی ایشان که تسبیح گویید صبح و شام (۱۱)

يَٰيَحۡيَىٰ خُذِ ٱلۡكِتَٰبَ بِقُوَّةٖۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡحُكۡمَ صَبِيّٗا ﴿١٢﴾
[گفت الله] ای یحیی بگیر کتاب را به جدّ و جهد تمام و دادیم به او حکمت را در حالت کودکی ۱۲

وَحَنَانٗا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَوٰةٗۖ وَكَانَ تَقِيّٗا ﴿١٣﴾ وَبَرَّۢا بِوَٰلِدَيۡهِ وَلَمۡ
و مهری [ویژه] از نزد خویش و پاکیزگی [به وی دادیم] و بود پرهیزکار ۱۳ و [بود] نیکوکار به پدر و مادر خود و

يَكُن جَبَّارًا عَصِيّٗا ﴿١٤﴾ وَسَلَٰمٌ عَلَيۡهِ يَوۡمَ وُلِدَ وَيَوۡمَ يَمُوتُ
نبود زورگوی سرکش ۱۴ و سلام بر وی در روزی که زاده شد و روزی که می میرد

وَيَوۡمَ يُبۡعَثُ حَيّٗا ﴿١٥﴾ وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مَرۡيَمَ إِذِ ٱنتَبَذَتۡ
و روزی که برانگیخته شود زنده ۱۵ و یاد کن در این کتاب مریم را وقتی که کناره گزید

مِنۡ أَهۡلِهَا مَكَانٗا شَرۡقِيّٗا ﴿١٦﴾ فَٱتَّخَذَتۡ مِن دُونِهِمۡ حِجَابٗا
از اهل خود در مکان شرقی ۱۶ پس گرفت از پیش ایشان پرده ای را [=جدا از آنان پنهان شد]

فَأَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرٗا سَوِيّٗا ﴿١٧﴾ قَالَتۡ إِنِّيٓ
پس فرستادیم به سوی او فرشتهٔ خود را پس جلوه گر شد برای وی آدمی درست اندام ۱۷ گفت همانا من

أَعُوذُ بِٱلرَّحۡمَٰنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيّٗا ﴿١٨﴾ قَالَ إِنَّمَآ أَنَا۠ رَسُولُ
پناه می جویم به [الله] مهرگستر از تو اگر پرهیزکاری [از من دور شو] ۱۸ گفت جز این نیست که من فرستادهٔ

رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَٰمٗا زَكِيّٗا ﴿١٩﴾ قَالَتۡ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي
پروردگار توام تا ببخشم به تو پسری پاکیزه را ۱۹ گفت چگونه باشد برای من

غُلَٰمٞ وَلَمۡ يَمۡسَسۡنِي بَشَرٞ وَلَمۡ أَكُ بَغِيّٗا ﴿٢٠﴾ قَالَ كَذَٰلِكِ
پسری و حال آنکه دست نرسانده است به من هیچ بشری و نبوده ام زناکار ۲۰ گفت چنین است

قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٞۖ وَلِنَجۡعَلَهُۥٓ ءَايَةٗ لِّلنَّاسِ وَرَحۡمَةٗ
فرمود پروردگار تو که آن بر من آسان است و تا بگردانیم آن را نشانه ای برای مردم و رحمتی

نصف حزب ۳۱ مِّنَّاۚ وَكَانَ أَمۡرٗا مَّقۡضِيّٗا ﴿٢١﴾ ۞ فَحَمَلَتۡهُ فَٱنتَبَذَتۡ
از جانب خود و این هست کاری شدنی و حتمی ۲۱ پس حامله شد به او پس کناره گرفت [مریم]

بِهِۦ مَكَانٗا قَصِيّٗا ﴿٢٢﴾ فَأَجَآءَهَا ٱلۡمَخَاضُ إِلَىٰ جِذۡعِ ٱلنَّخۡلَةِ
با او در جایی دور ۲۲ پس کشانید او را درد زایمان به سوی بیخ تنهٔ خرما

قَالَتۡ يَٰلَيۡتَنِي مِتُّ قَبۡلَ هَٰذَا وَكُنتُ نَسۡيٗا مَّنسِيّٗا ﴿٢٣﴾
گفت [مریم] ای کاش مُرده بودم پیش از این و می بودم از یاد رفتهٔ کلّی فراموش شده ۲۳

فَنَادَىٰهَا مِن تَحۡتِهَآ أَلَّا تَحۡزَنِي قَدۡ جَعَلَ رَبُّكِ تَحۡتَكِ سَرِيّٗا ﴿٢٤﴾
پس ندا داد او را از پایین او که غمگین مباش هر آینه قرار داده است پروردگار تو در زیر پای تو جوی آبی را ۲۴

وَهُزِّيٓ إِلَيۡكِ بِجِذۡعِ ٱلنَّخۡلَةِ تُسَٰقِطۡ عَلَيۡكِ رُطَبٗا جَنِيّٗا ﴿٢٥﴾
و بجنبان به سوی خود تنهٔ خرما را تا بیفکند بر تو خرمای تازهٔ چیده را ۲۵

فَكُلِي وَٱشۡرَبِي وَقَرِّي عَيۡنٗاۖ فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ ٱلۡبَشَرِ أَحَدٗا فَقُولِيٓ
پس بخور و بنوش و روشن می دار چشم را و اگر ببینی از آدمیان کسی را پس بگو

إِنِّي نَذَرۡتُ لِلرَّحۡمَٰنِ صَوۡمٗا فَلَنۡ أُكَلِّمَ ٱلۡيَوۡمَ إِنسِيّٗا ﴿۲۶﴾
همانا من نذر کرده ام برای [الله] مهرگستر روزه ای را پس من سخن نخواهم گفت امروز با هیچ آدمی ﴿۲۶﴾

فَأَتَتۡ بِهِۦ قَوۡمَهَا تَحۡمِلُهُۥۖ قَالُواْ يَٰمَرۡيَمُ لَقَدۡ جِئۡتِ شَيۡـٔٗا
پس آورد پسرش را نزد قوم خود درحالی که برداشته بود او را گفتند ای مریم هر آینه آورده ای چیزی

فَرِيّٗا ﴿۲۷﴾ يَٰٓأُخۡتَ هَٰرُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ ٱمۡرَأَ سَوۡءٖ وَمَا كَانَتۡ
شگفت را ﴿۲۷﴾ ای خواهر هارون نبود پدر تو مرد بدی و نبود

أُمُّكِ بَغِيّٗا ﴿۲۸﴾ فَأَشَارَتۡ إِلَيۡهِۖ قَالُواْ كَيۡفَ نُكَلِّمُ مَن كَانَ فِي
مادرت بدکاره ﴿۲۸﴾ پس اشاره کرد [مریم] به سوی آن [بچه] گفتند چگونه سخن گوییم با کسی که هست در

ٱلۡمَهۡدِ صَبِيّٗا ﴿۲۹﴾ قَالَ إِنِّي عَبۡدُ ٱللَّهِ ءَاتَىٰنِيَ ٱلۡكِتَٰبَ وَجَعَلَنِي
گهواره کودکی ﴿۲۹﴾ گفت همانا من بندهٔ الله هستم داده است به من کتاب را و گردانیده است مرا

نَبِيّٗا ﴿۳۰﴾ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيۡنَ مَا كُنتُ وَأَوۡصَٰنِي بِٱلصَّلَوٰةِ
پیامبر ﴿۳۰﴾ و گردانیده مرا مبارک هرجا که باشم و سفارش فرموده است مرا به نماز

وَٱلزَّكَوٰةِ مَا دُمۡتُ حَيّٗا ﴿۳۱﴾ وَبَرَّۢا بِوَٰلِدَتِي وَلَمۡ يَجۡعَلۡنِي
و زکات مادامی که زنده باشم ﴿۳۱﴾ و نیکوکار گردانیده [مرا] با مادر خود و نساخته مرا

جَبَّارٗا شَقِيّٗا ﴿۳۲﴾ وَٱلسَّلَٰمُ عَلَيَّ يَوۡمَ وُلِدتُّ وَيَوۡمَ أَمُوتُ
زورگوی بدبخت ﴿۳۲﴾ و سلام بر من در روزی که زاده شدم و روزی که بمیرم

وَيَوۡمَ أُبۡعَثُ حَيّٗا ﴿۳۳﴾ ذَٰلِكَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَۖ قَوۡلَ ٱلۡحَقِّ
و روزی که برانگیخته شوم زنده ﴿۳۳﴾ این است [حال] عیسی پسر مریم [همان] سخن حق

ٱلَّذِي فِيهِ يَمۡتَرُونَ ﴿۳۴﴾ مَا كَانَ لِلَّهِ أَن يَتَّخِذَ مِن وَلَدٖۖ سُبۡحَٰنَهُۥٓۚ
که در آن تردید می کردند ﴿۳۴﴾ نباشد سزاوار برای الله که بگیرد فرزندی را پاکا او

إِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ﴿۳۵﴾ وَإِنَّ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمۡ
چون خواهد گزارد کاری پس جز این نیست که می گوید به او بشو بی درنگ می شود ﴿۳۵﴾ و [گفت] همانا الله پروردگار من و پروردگار شماست

فَٱعۡبُدُوهُۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ ﴿۳۶﴾ فَٱخۡتَلَفَ ٱلۡأَحۡزَابُ مِنۢ
پس بپرستید او را این است راهی راست ﴿۳۶﴾ پس اختلاف کردند گروه‌ها در

بَيۡنِهِمۡۖ فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن مَّشۡهَدِ يَوۡمٍ عَظِيمٍ ﴿۳۷﴾ أَسۡمِعۡ بِهِمۡ
میان خود پس وای بر کسانی که کافر شدند از حضور در روزی بزرگ ﴿۳۷﴾ چه خوب شنوایند ایشان

وَأَبۡصِرۡ يَوۡمَ يَأۡتُونَنَاۖ لَٰكِنِ ٱلظَّٰلِمُونَ ٱلۡيَوۡمَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ﴿۳۸﴾
و چه خوب بینایند! در روزی که می آیند پیش ما لیکن ستمکاران آن روز در گمراهی آشکارند ﴿۳۸﴾

وَأَنذِرۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡحَسۡرَةِ إِذۡ قُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ وَهُمۡ فِي غَفۡلَةٖ وَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ
و بیم ده ایشان را از روز حسرت چون پایان پذیرد کار و[هشدار بده]درحالی که آنان در بی خبری اند و ایمان نمی آورند

﴿۳۹﴾ إِنَّا نَحۡنُ نَرِثُ ٱلۡأَرۡضَ وَمَنۡ عَلَيۡهَا وَإِلَيۡنَا يُرۡجَعُونَ ﴿۴۰﴾ وَٱذۡكُرۡ
۳۹ همانا ما وارث می شویم زمین را و هر آنکه را که بر روی آن است و آنان به سوی ما بازگردانیده می شوند ۴۰ و یاد کن

فِي ٱلۡكِتَٰبِ إِبۡرَٰهِيمَۚ إِنَّهُۥ كَانَ صِدِّيقٗا نَّبِيًّا ﴿۴۱﴾ إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ يَٰٓأَبَتِ
در این کتاب ابراهیم را همانا او بود بسیار راست گویی پیامبر ۴۱ وقتی که گفت به پدر خود ای پدر

لِمَ تَعۡبُدُ مَا لَا يَسۡمَعُ وَلَا يُبۡصِرُ وَلَا يُغۡنِي عَنكَ شَيۡـٔٗا ﴿۴۲﴾ يَٰٓأَبَتِ
چرا می پرستی چیزی را که نمی شنود و نمی بیند و دفع نکند از تو هیچ چیزی را[= هیچ گزندی را] ۴۲ ای پدرم

إِنِّي قَدۡ جَآءَنِي مِنَ ٱلۡعِلۡمِ مَا لَمۡ يَأۡتِكَ فَٱتَّبِعۡنِيٓ أَهۡدِكَ صِرَٰطٗا
همانا من آمده است مرا از دانش چیزی که نیامده است برای تو پس پیروی کن مرا که بنمایم تو را راهی

سَوِيّٗا ﴿۴۳﴾ يَٰٓأَبَتِ لَا تَعۡبُدِ ٱلشَّيۡطَٰنَۖ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ كَانَ لِلرَّحۡمَٰنِ
راست ۴۳ ای پدر پرستش مکن شیطان را همانا شیطان هست برای [الله] مهرگستر

عَصِيّٗا ﴿۴۴﴾ يَٰٓأَبَتِ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يَمَسَّكَ عَذَابٞ مِّنَ ٱلرَّحۡمَٰنِ
بسیار نافرمان ۴۴ ای پدر همانا من می ترسم که برسد تو را عذابی از [الله] مهرگستر

فَتَكُونَ لِلشَّيۡطَٰنِ وَلِيّٗا ﴿۴۵﴾ قَالَ أَرَاغِبٌ أَنتَ عَنۡ ءَالِهَتِي
پس می شوی برای شیطان یاور و همدم ۴۵ گفت آیا برگشته ای تو از اله های من

يَٰٓإِبۡرَٰهِيمُۖ لَئِن لَّمۡ تَنتَهِ لَأَرۡجُمَنَّكَۖ وَٱهۡجُرۡنِي مَلِيّٗا ﴿۴۶﴾ قَالَ
ای ابراهیم اگر دست برنداری هر آینه تو را سنگسار کنم و دور باش از من مدتی دراز ۴۶ گفت

سَلَٰمٌ عَلَيۡكَۖ سَأَسۡتَغۡفِرُ لَكَ رَبِّيٓۖ إِنَّهُۥ كَانَ بِي حَفِيّٗا ﴿۴۷﴾
تو را به درود زودا طلب آمرزش کنم برای تو از پروردگار خود همانا او هست به من بسیار مهربان[=به من لطف دارد] ۴۷

وَأَعۡتَزِلُكُمۡ وَمَا تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَأَدۡعُواْ رَبِّي عَسَىٰٓ
و کناره می گیرم از شما و از آنچه فرا می خوانید به جز الله و فرا می خوانم پروردگار خود را امید است

أَلَّآ أَكُونَ بِدُعَآءِ رَبِّي شَقِيّٗا ﴿۴۸﴾ فَلَمَّا ٱعۡتَزَلَهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ
که نباشم به درخواست پروردگار خود بدبخت و محروم ۴۸ پس چون کناره گرفت از آنان و از آنچه می پرستیدند

مِن دُونِ ٱللَّهِ وَهَبۡنَا لَهُۥٓ إِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَۖ وَكُلًّا جَعَلۡنَا نَبِيّٗا ﴿۴۹﴾
در برابر الله بخشیدیم به او اسحق و یعقوب را و همه را قرار دادیم پیامبر ۴۹

وَوَهَبۡنَا لَهُم مِّن رَّحۡمَتِنَا وَجَعَلۡنَا لَهُمۡ لِسَانَ صِدۡقٍ عَلِيّٗا ﴿۵۰﴾
و بخشیدیم ایشان را از رحمت خود و قرار دادیم برای ایشان گفتار راست بلند آوازه ای را ۵۰

وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مُوسَىٰٓۚ إِنَّهُۥ كَانَ مُخۡلَصٗا وَكَانَ رَسُولٗا نَّبِيّٗا ﴿۵۱﴾
و یاد کن در این کتاب موسی را همانا او بود ناب برگزیده و بود فرستاده ای پیامبر ۵۱

وَنَٰدَيۡنَٰهُ مِن جَانِبِ ٱلطُّورِ ٱلۡأَيۡمَنِ وَقَرَّبۡنَٰهُ نَجِيّٗا ﴿٥٢﴾ وَوَهَبۡنَا لَهُۥ مِن
و ندا کردیم او را از طرف راست کوه طور و نزدیک ساختیم او را رازگویان ﴿۵۲﴾ و عطا کردیم به او از

رَّحۡمَتِنَآ أَخَاهُ هَٰرُونَ نَبِيّٗا ﴿٥٣﴾ وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ إِسۡمَٰعِيلَۚ إِنَّهُۥ كَانَ
رحمت خود برادرش هارون را به پیامبری ﴿۵۳﴾ و یاد کن در این کتاب اسماعیل را همانا او بود

صَادِقَ ٱلۡوَعۡدِ وَكَانَ رَسُولٗا نَّبِيّٗا ﴿٥٤﴾ وَكَانَ يَأۡمُرُ أَهۡلَهُۥ بِٱلصَّلَوٰةِ
راست وعده و بود فرستاده‌ای و پیامبری ﴿۵۴﴾ و امر می کرد اهل خود را به نماز

وَٱلزَّكَوٰةِ وَكَانَ عِندَ رَبِّهِۦ مَرۡضِيّٗا ﴿٥٥﴾ وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ إِدۡرِيسَۚ
و زکات و بود نزد پروردگار خود پسندیده ﴿۵۵﴾ و یاد کن در این کتاب ادریس را

إِنَّهُۥ كَانَ صِدِّيقٗا نَّبِيّٗا ﴿٥٦﴾ وَرَفَعۡنَٰهُ مَكَانًا عَلِيًّا ﴿٥٧﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ
همانا او بود راست گفتار و پیامبری ﴿۵۶﴾ و بالا بردیم او را به مقامی والا ﴿۵۷﴾ آنان کسانی اند که

أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مِن ذُرِّيَّةِ ءَادَمَ وَمِمَّنۡ حَمَلۡنَا مَعَ نُوحٖ
انعام کرد الله بر ایشان از پیامبران از اولاد آدم و از [اولاد] آنان که برداشتیم با نوح [در کشتی]

وَمِن ذُرِّيَّةِ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡرَٰٓءِيلَ وَمِمَّنۡ هَدَيۡنَا وَٱجۡتَبَيۡنَآۚ إِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ
و از اولاد ابراهیم و اسرائیل و از جملهٔ کسانی که هدایت نمودیم [ایشان را] و برگزیدیم چون خوانده می شد بر ایشان

ءَايَٰتُ ٱلرَّحۡمَٰنِ خَرُّواْۤ سُجَّدٗاۤ وَبُكِيّٗا ۩ ﴿٥٨﴾ ۞ فَخَلَفَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ
آیات [الله] مهرگستر به زمین می افتادند سجده کنان و گریان ﴿۵۸﴾ پس آمد پس از ایشان

سجده مستحب
سه چهارم حزب ۳۱

خَلۡفٌ أَضَاعُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَٱتَّبَعُواْ ٱلشَّهَوَٰتِۖ فَسَوۡفَ يَلۡقَوۡنَ غَيًّا
جانشینانی که ضایع کردند نماز را و پیروی کردند شهوت ها را پس زودا که رو به رو شوند با [کیفر] گمراهی

﴿٥٩﴾ إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ
﴿۵۹﴾ مگر کسی که توبه کرده و ایمان آورده و کرده باشد [کاری] شایسته پس آنان وارد می شوند در بهشت

وَلَا يُظۡلَمُونَ شَيۡـٔٗا ﴿٦٠﴾ جَنَّٰتِ عَدۡنٍ ٱلَّتِي وَعَدَ ٱلرَّحۡمَٰنُ عِبَادَهُۥ
و کم کرده نمی شود [از ثواب آنها] چیزی ﴿۶۰﴾ بهشت های پاینده که وعده داده است [الله] مهرگستر بندگان خود را

بِٱلۡغَيۡبِۚ إِنَّهُۥ كَانَ وَعۡدُهُۥ مَأۡتِيّٗا ﴿٦١﴾ لَّا يَسۡمَعُونَ فِيهَا لَغۡوًا إِلَّا سَلَٰمٗاۖ
به غیب همانا هست وعدهٔ او آمدنی ﴿۶۱﴾ نشنوند در آن سخن بیهوده را مگر سلام

وَلَهُمۡ رِزۡقُهُمۡ فِيهَا بُكۡرَةٗ وَعَشِيّٗا ﴿٦٢﴾ تِلۡكَ ٱلۡجَنَّةُ ٱلَّتِي نُورِثُ مِنۡ
و برای ایشان است روزیشان در آن صبح و شام ﴿۶۲﴾ این همان بهشتی است که میراث می دهیم از

عِبَادِنَا مَن كَانَ تَقِيّٗا ﴿٦٣﴾ وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمۡرِ رَبِّكَۖ لَهُۥ مَا بَيۡنَ
بندگان خود کسانی که باشند پرهیزکار ﴿۶۳﴾ و فرود نمی آییم [ما فرشتگان] مگر به فرمان پروردگار تو برای اوست آنچه در

أَيۡدِينَا وَمَا خَلۡفَنَا وَمَا بَيۡنَ ذَٰلِكَۚ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيّٗا ﴿٦٤﴾
پیش روی ماست و آنچه در پس ماست و آنچه در بین اینهاست و نیست پروردگار تو فراموش کار ﴿۶۴﴾

رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا فَٱعۡبُدۡهُ وَٱصۡطَبِرۡ لِعِبَٰدَتِهِۦۚ
[اوست] پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه در میان آن دو است پس پرستش کن او را و شکیبا باش برای بندگی او

هَلۡ تَعۡلَمُ لَهُۥ سَمِيّٗا ﴿٦٥﴾ وَيَقُولُ ٱلۡإِنسَٰنُ أَءِذَا مَا مِتُّ لَسَوۡفَ
آیا می شناسی برای او همنامی را؟ ۶۵ و می گوید انسان آیا چون بمیرم باز

أُخۡرَجُ حَيًّا ﴿٦٦﴾ أَوَلَا يَذۡكُرُ ٱلۡإِنسَٰنُ أَنَّا خَلَقۡنَٰهُ مِن قَبۡلُ
بیرون آورده خواهم شد زنده؟ ۶۶ آیا یاد نمی کند انسان که همانا ما آفریدیم او را پیش از این

وَلَمۡ يَكُ شَيۡـٔٗا ﴿٦٧﴾ فَوَرَبِّكَ لَنَحۡشُرَنَّهُمۡ وَٱلشَّيَٰطِينَ ثُمَّ
حال آنکه نبود چیزی؟ ۶۷ سوگند به پروردگارت که هر آینه جمع کنیم ایشان و شیاطین را سپس

لَنُحۡضِرَنَّهُمۡ حَوۡلَ جَهَنَّمَ جِثِيّٗا ﴿٦٨﴾ ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ
هر آینه حاضر می سازیم ایشان را گرداگرد دوزخ به زانو درافتاده ۶۸ سپس بیرون می کشیم از هر

شِيعَةٍ أَيُّهُمۡ أَشَدُّ عَلَى ٱلرَّحۡمَٰنِ عِتِيّٗا ﴿٦٩﴾ ثُمَّ لَنَحۡنُ أَعۡلَمُ بِٱلَّذِينَ
گروهی هر کدام را که شدیدتر باشد بر [الله] مهرگستر در سرکشی ۶۹ آنگاه ما داناتریم به آنانی که

هُمۡ أَوۡلَىٰ بِهَا صِلِيّٗا ﴿٧٠﴾ وَإِن مِّنكُمۡ إِلَّا وَارِدُهَاۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ
ایشان سزاوارترند به درآمدن درآن [دوزخ] ۷۰ و نیست از شما هیچ کس مگر آنکه به آن درآید هست این وعده بر پروردگار تو

حَتۡمٗا مَّقۡضِيّٗا ﴿٧١﴾ ثُمَّ نُنَجِّي ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ وَّنَذَرُ ٱلظَّٰلِمِينَ
لازم [و] انجام پذیر ۷۱ آنگاه می رهانیم آنان را که پرهیزکاری کردند و می گذاریم ظالمان را

فِيهَا جِثِيّٗا ﴿٧٢﴾ وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
در آن به زانو درافتاده ۷۲ و چون خوانده شود بر ایشان آیات روشن ما گویند آنان که کفر ورزیدند

لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَيُّ ٱلۡفَرِيقَيۡنِ خَيۡرٞ مَّقَامٗا وَأَحۡسَنُ نَدِيّٗا ﴿٧٣﴾ وَكَمۡ
به آنان که ایمان آوردند کدام یک از این دو گروه جایگاهی بهتر و انجمنی آراسته تر دارد؟ ۷۳ و چه بسیار

أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّن قَرۡنٍ هُمۡ أَحۡسَنُ أَثَٰثٗا وَرِءۡيٗا ﴿٧٤﴾ قُلۡ مَن
هلاک کردیم پیش از ایشان نسل ها را که ایشان نیکوتر ساز و برگ و منظری داشتند ۷۴ بگو هر که

كَانَ فِي ٱلضَّلَٰلَةِ فَلۡيَمۡدُدۡ لَهُ ٱلرَّحۡمَٰنُ مَدًّاۚ حَتَّىٰٓ إِذَا رَأَوۡاْ مَا يُوعَدُونَ
باشد در گمراهی پس مهلت دهد به او [الله] مهرگستر مهلتی تا آنگاه که ببینند آنچه را که وعده داده شده بودند

إِمَّا ٱلۡعَذَابَ وَإِمَّا ٱلسَّاعَةَ فَسَيَعۡلَمُونَ مَنۡ هُوَ شَرّٞ مَّكَانٗا
یا عذاب [در دنیا] و یا رستاخیز پس به زودی خواهند دانست که چه کسی بدتر است جایگاهش

وَأَضۡعَفُ جُندٗا ﴿٧٥﴾ وَيَزِيدُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱهۡتَدَوۡاْ هُدٗىۗ
و ضعیف تر است سپاهش ۷۵ و می افزاید الله بر آنان که راه یافته اند هدایت را

وَٱلۡبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ خَيۡرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابٗا وَخَيۡرٞ مَّرَدًّا ﴿٧٦﴾
و کارهای ماندنی و شایسته بهتر است نزد پروردگار تو از جهت پاداش و بهتر است از جهت سرانجام ۷۶

أَفَرَءَيْتَ ٱلَّذِى كَفَرَ بِـَٔايَـٰتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا
آیا دیدی آن کس را که کافر شد به آیات ما و گفت هر آینه به من داده شود مال و فرزندی

(۷۷) أَطَّلَعَ ٱلْغَيْبَ أَمِ ٱتَّخَذَ عِندَ ٱلرَّحْمَـٰنِ عَهْدًا (۷۸) كَلَّا ۚ
(۷۷) آیا آگاهی یافته بر غیب یا گرفته است از نزد [الله] مهرگستر پیمانی را؟ (۷۸) نه چنین است

سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُۥ مِنَ ٱلْعَذَابِ مَدًّا (۷۹) وَنَرِثُهُۥ
به زودی می نویسیم آنچه را که می گوید و می افزاییم برای او از عذاب افزودنی را (۷۹) و به میراث می بریم از او

مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا (۸۰) وَٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِ ٱللَّهِ ءَالِهَةً
آنچه را که می گوید و خواهد آمد نزد ما تنها [و دست خالی] (۸۰) و گرفتند به جای الله اله هایی را

لِّيَكُونُوا۟ لَهُمْ عِزًّا (۸۱) كَلَّا ۚ سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ
تا باشند برای آنان مایهٔ عزت (۸۱) چنین نیست زودا که انکار کنند پرستش ایشان را و می شوند

عَلَيْهِمْ ضِدًّا (۸۲) أَلَمْ تَرَ أَنَّآ أَرْسَلْنَا ٱلشَّيَـٰطِينَ عَلَى ٱلْكَـٰفِرِينَ
بر ضد ایشان (۸۲) آیا ندیدی که همانا ما فرستادیم شیاطین را بر کافران

تَؤُزُّهُمْ أَزًّا (۸۳) فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ ۖ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا (۸۴)
که تحریکشان کنند تحریک کردنی (۸۳) پس شتاب مکن بر ایشان جز این نیست که برشماریم برای آنها [کردارشان را] شمردنی (۸۴)

يَوْمَ نَحْشُرُ ٱلْمُتَّقِينَ إِلَى ٱلرَّحْمَـٰنِ وَفْدًا (۸۵) وَنَسُوقُ ٱلْمُجْرِمِينَ
روزی که گرد آوریم پرهیزکاران را به سوی [الله] مهرگستر به میهمانی (۸۵) و می رانیم گنهکاران را

إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا (۸۶) لَّا يَمْلِكُونَ ٱلشَّفَـٰعَةَ إِلَّا مَنِ ٱتَّخَذَ عِندَ
به سوی دوزخ تشنه کام (۸۶) در اختیار ندارند شفاعت را مگر کسی که گرفته باشد نزد

ٱلرَّحْمَـٰنِ عَهْدًا (۸۷) وَقَالُوا۟ ٱتَّخَذَ ٱلرَّحْمَـٰنُ وَلَدًا (۸۸) لَّقَدْ
[الله] مهرگستر پیمانی را (۸۷) و گفتند گرفته است [الله] مهرگستر فرزندی را (۸۸) هر آینه

جِئْتُمْ شَيْـًٔا إِدًّا (۸۹) تَكَادُ ٱلسَّمَـٰوَٰتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ
آورده اید چیز بسیار زشتی را (۸۹) نزدیک است که آسمان ها بشکافند از این [سخن]

وَتَنشَقُّ ٱلْأَرْضُ وَتَخِرُّ ٱلْجِبَالُ هَدًّا (۹۰) أَن دَعَوْا۟ لِلرَّحْمَـٰنِ وَلَدًا
و بشکافد زمین و بیفتد کوه ها پاره پاره (۹۰) اینکه می خوانند برای [الله] مهرگستر فرزندی را

(۹۱) وَمَا يَنۢبَغِى لِلرَّحْمَـٰنِ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا (۹۲) إِن كُلُّ مَن فِى
(۹۱) و سزاوار نباشد برای [الله] مهرگستر که بگیرد فرزندی را (۹۲) نیست هیچ کسی در

ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ إِلَّآ ءَاتِى ٱلرَّحْمَـٰنِ عَبْدًا (۹۳) لَّقَدْ أَحْصَىٰهُمْ
آسمان ها و زمین مگر آنکه خواهد آمد نزد [الله] مهرگستر به بندگی (۹۳) به تحقیق او همه را سرشماری نموده

وَعَدَّهُمْ عَدًّا (۹۴) وَكُلُّهُمْ ءَاتِيهِ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ فَرْدًا (۹۵)
و دقیقاً شمارش کرده است (۹۴) و هر یک از ایشان خواهد آمد روز رستاخیز به تنهایی (۹۵)

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَيَجۡعَلُ لَهُمُ
همانا آنان که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته به زودی قرار می دهد برای ایشان

ٱلرَّحۡمَٰنُ وُدّٗا ﴿٩٦﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرۡنَٰهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ
[الله] مهرگستر دوستی را [در دل ها] (۹۶) پس جز این نیست که آسان ساختیم[قرآن] را به زبان تو تا مژده دهی به آن

ٱلۡمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِۦ قَوۡمٗا لُّدّٗا ﴿٩٧﴾ وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم
پرهیزکاران را و بیم دهی به آن گروهی ستیزه جو را (۹۷) و چه بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان

مِّن قَرۡنٍ هَلۡ تُحِسُّ مِنۡهُم مِّنۡ أَحَدٍ أَوۡ تَسۡمَعُ لَهُمۡ رِكۡزَۢا ﴿٩٨﴾
از نسل‌هایی آیا می بینی از ایشان کسی را یا می شنوی از آنان آوایی را؟ (۹۸)

ترتیبها ۲۰

سُورَةُ طه

آیاتها ۱۳۵

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام الله مهر گسترِ مهربان

حزب ۳۲

طه ﴿١﴾ مَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ لِتَشۡقَىٰٓ ﴿٢﴾ إِلَّا تَذۡكِرَةٗ
طا، ها (۱) فرود نفرستادیم بر تو این قرآن را که در رنج افتی (۲) مگر پنددادنی

لِّمَن يَخۡشَىٰ ﴿٣﴾ تَنزِيلٗا مِّمَّنۡ خَلَقَ ٱلۡأَرۡضَ وَٱلسَّمَٰوَٰتِ ٱلۡعُلَى ﴿٤﴾
برای آنکه می ترسد (۳) درحالی که نازل شده از جانب آن که آفرید زمین و آسمان های بلند را (۴)

ٱلرَّحۡمَٰنُ عَلَى ٱلۡعَرۡشِ ٱسۡتَوَىٰ ﴿٥﴾ لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي
[الله] مهرگستر بر عرش استیلا یافت (۵) از آن او است آنچه در آسمان ها و آنچه در

ٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا وَمَا تَحۡتَ ٱلثَّرَىٰ ﴿٦﴾ وَإِن تَجۡهَرۡ بِٱلۡقَوۡلِ
زمین و آنچه در میان هر دو و آنچه در زیر خاک نمناک است (۶) و اگر آشکار کنی سخن را

فَإِنَّهُۥ يَعۡلَمُ ٱلسِّرَّ وَأَخۡفَى ﴿٧﴾ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ لَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ
پس همانا او می داند نهان و نهان تر را (۷) الله است که نیست الهی جز او از آنِ اوست نام های

ٱلۡحُسۡنَىٰ ﴿٨﴾ وَهَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ مُوسَىٰٓ ﴿٩﴾ إِذۡ رَءَا نَارٗا
نیکوتر (۸) و آیا رسیده است به تو داستان موسی؟ (۹) آنگاه که دید آتشی را

فَقَالَ لِأَهۡلِهِ ٱمۡكُثُوٓاْ إِنِّيٓ ءَانَسۡتُ نَارٗا لَّعَلِّيٓ ءَاتِيكُم مِّنۡهَا بِقَبَسٍ
پس گفت به اهل خود درنگ کنید همانا من دیده ام آتشی را باشد که من بیاروم برای شما از آن اخگری را

أَوۡ أَجِدُ عَلَى ٱلنَّارِ هُدٗى ﴿١٠﴾ فَلَمَّآ أَتَىٰهَا نُودِيَ يَٰمُوسَىٰٓ ﴿١١﴾
یا بیابم بر آتش رهنمودی (۱۰) پس چون بیامد نزد[آن آتش] ندا داده شد که ای موسی (۱۱)

إِنِّيٓ أَنَا۠ رَبُّكَ فَٱخۡلَعۡ نَعۡلَيۡكَ إِنَّكَ بِٱلۡوَادِ ٱلۡمُقَدَّسِ طُوٗى ﴿١٢﴾
همانا من خود پروردگار توام پس در آور کفشهایت را زیرا تو در وادی پاک «طوی» هستی (۱۲)

وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ ﴿١٣﴾ إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا
و من برگزیده ام تو را پس بشنو آنچه را که وحی می شود ١٣ همانا منم الله نیست الهی جز من

فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ﴿١٤﴾ إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ
پس بندگی کن مرا و برپادار نماز را برای یاد کردن من ١٤ همانا رستاخیز آمدنی است

أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ ﴿١٥﴾ فَلَا يَصُدَّنَّكَ
می خواهم پنهان دارم آن را تا پاداش داده شود هر کسی به آنچه تلاش کرده است ١٥ پس باز ندارد تو را

عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَىٰ ﴿١٦﴾ وَمَا تِلْكَ
از [باور داشتن به] آن کسی که ایمان ندارد به آن و پیروی کرده هوس خود را که هلاک می شوی ١٦ و چیست این

بِيَمِينِكَ يَا مُوسَىٰ ﴿١٧﴾ قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا
در دست راست تو ای موسی؟ ١٧ گفت این عصای من است که تکیه می کنم بر آن

وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَىٰ ﴿١٨﴾ قَالَ أَلْقِهَا
و [برگ ها را] می ریزانم با آن برای گوسفندانم برای من در این [عصا] نیازهای دیگری [نیز] هست ١٨ فرمود بینداز آن را

يَا مُوسَىٰ ﴿١٩﴾ فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ ﴿٢٠﴾ قَالَ خُذْهَا
ای موسی ١٩ پس بیفکندش پس ناگهان آن ماری شد که می دوید ٢٠ گفت بگیر آن را

وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ ﴿٢١﴾ وَاضْمُمْ يَدَكَ
و مترس بازخواهیم گرداند او را به حالت نخستین آن ٢١ و بپیوست کن دست خود را

إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَىٰ ﴿٢٢﴾ لِنُرِيَكَ
به گریبان خود تا برآید سفید بی هیچ عیبی درحالی که این نشانهٔ دیگر است ٢٢ تا بنماییم تو را

مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَىٰ ﴿٢٣﴾ اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿٢٤﴾ قَالَ
از نشانه های بزرگ خود ٢٣ برو به سوی فرعون همانا او سرکشی کرده است ٢٤ گفت

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٢٦﴾ وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ
ای [پروردگار من] بگشای برای من سینه ام را ٢٥ و آسان کن برایم کارم را ٢٦ و بگشا گره را از

لِسَانِي ﴿٢٧﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٢٨﴾ وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي ﴿٢٩﴾ هَارُونَ
زبانم ٢٧ تا بفهمند سخنم را ٢٨ و بگردان برای من وزیری را از کسان من ٢٩ هارون

أَخِي ﴿٣٠﴾ اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي ﴿٣١﴾ وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي ﴿٣٢﴾ كَيْ نُسَبِّحَكَ
برادرم را ٣٠ محکم کن به او پشتم را ٣١ و شریک ساز او را در کار من ٣٢ تا به پاکی ستاییم تو را

كَثِيرًا ﴿٣٣﴾ وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا ﴿٣٤﴾ إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا ﴿٣٥﴾ قَالَ قَدْ
بسیار ٣٣ و یاد کنیم تو را بسیار ٣٤ همانا تو هستی به [احوال] ما بینا ٣٥ گفت هر آینه

أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَىٰ ﴿٣٦﴾ وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ ﴿٣٧﴾
داده شد به تو خواسته ات ای موسی ٣٦ و هر آینه نعمت ارزانی داشتیم بر تو بار دیگر ٣٧

إِذۡ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰٓ ﴿۳۸﴾ أَنِ ٱقۡذِفِيهِ فِي ٱلتَّابُوتِ فَٱقۡذِفِيهِ
آنگاه که وحی کردیم به مادرت آنچه [باید] وحی می شد ۳۸ که بینداز او را در صندوق آنگاه بینداز آن [صندوق] را

فِي ٱلۡيَمِّ فَلۡيُلۡقِهِ ٱلۡيَمُّ بِٱلسَّاحِلِ يَأۡخُذۡهُ عَدُوّٞ لِّي وَعَدُوّٞ لَّهُۥۚ وَأَلۡقَيۡتُ
در دریا تا اندازد او را دریا به کناره بگیرد او را [کسی که] دشمن من و دشمن اوست و افکندم

عَلَيۡكَ مَحَبَّةٗ مِّنِّي وَلِتُصۡنَعَ عَلَىٰ عَيۡنِيٓ ﴿۳۹﴾ إِذۡ تَمۡشِيٓ أُخۡتُكَ
برتو محبتی از جانب خود و تا پرورده شوی زیر نظر من ۳۹ [یاد کن] آنگاه که می رفت خواهرت

فَتَقُولُ هَلۡ أَدُلُّكُمۡ عَلَىٰ مَن يَكۡفُلُهُۥۖ فَرَجَعۡنَٰكَ إِلَىٰٓ أُمِّكَ كَيۡ تَقَرَّ
پس می گفت آیا نشان دهم به شما کسی را که سرپرستی کند او را پس بازآوریم تو را به سوی مادرت تا روشن شود

عَيۡنُهَا وَلَا تَحۡزَنَۚ وَقَتَلۡتَ نَفۡسٗا فَنَجَّيۡنَٰكَ مِنَ ٱلۡغَمِّ وَفَتَنَّٰكَ فُتُونٗاۚ
چشم او و غم نخورد و کشتی شخصی را پس نجات دادیم تو را از آن غم و بیازمودیم تو را آزمودنی

فَلَبِثۡتَ سِنِينَ فِيٓ أَهۡلِ مَدۡيَنَ ثُمَّ جِئۡتَ عَلَىٰ قَدَرٖ يَٰمُوسَىٰ ﴿۴۰﴾
پس درنگ کردی چندین سال درمیان اهل مدین پس باز آمدی بر اساس برنامه ریزی ای موسی ۴۰

وَٱصۡطَنَعۡتُكَ لِنَفۡسِي ﴿۴۱﴾ ٱذۡهَبۡ أَنتَ وَأَخُوكَ بِـَٔايَٰتِي وَلَا تَنِيَا
و پروراندم تو را برای خود ۴۱ برو تو و برادرت با نشانه های من و سستی مکنید

فِي ذِكۡرِي ﴿۴۲﴾ ٱذۡهَبَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ﴿۴۳﴾ فَقُولَا لَهُۥ قَوۡلٗا لَّيِّنٗا
در یاد من ۴۲ بروید به سوی فرعون همانا او سرکشی کرده است ۴۳ پس بگویید به او سخنی نرم را

لَّعَلَّهُۥ يَتَذَكَّرُ أَوۡ يَخۡشَىٰ ﴿۴۴﴾ قَالَا رَبَّنَآ إِنَّنَا نَخَافُ أَن يَفۡرُطَ عَلَيۡنَآ
باشد که او پند گیرد یا بترسد ۴۴ گفتند [ای] پروردگارما همانا ما می ترسیم که پیشدستی کند بر [ضد] ما

أَوۡ أَن يَطۡغَىٰ ﴿۴۵﴾ قَالَ لَا تَخَافَآۖ إِنَّنِي مَعَكُمَآ أَسۡمَعُ وَأَرَىٰ
یا طغیان ورزد ۴۵ گفت مترسید همانا من با شما هستم می شنوم و می بینم

﴿۴۶﴾ فَأۡتِيَاهُ فَقُولَآ إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرۡسِلۡ مَعَنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ
۴۶ پس بروید پیش وی پس بگویید همانا ما دو فرستادۀ پروردگار توییم پس بفرست با ما بنی اسرائیل را

وَلَا تُعَذِّبۡهُمۡۖ قَدۡ جِئۡنَٰكَ بِـَٔايَةٖ مِّن رَّبِّكَۖ وَٱلسَّلَٰمُ عَلَىٰ مَنِ ٱتَّبَعَ
و عذاب مکن ایشان را و هر آینه آورده ایم پیش تو نشانه ای از پروردگارت و سلام بر کسی که پی گیرد

ٱلۡهُدَىٰٓ ﴿۴۷﴾ إِنَّا قَدۡ أُوحِيَ إِلَيۡنَآ أَنَّ ٱلۡعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ
رهنمود را ۴۷ همانا ما وحی فرستاده شده به سوی ما که عذاب بر کسی است که تکذیب کند

وَتَوَلَّىٰ ﴿۴۸﴾ قَالَ فَمَن رَّبُّكُمَا يَٰمُوسَىٰ ﴿۴۹﴾ قَالَ رَبُّنَا ٱلَّذِيٓ أَعۡطَىٰ
و روی برتابد ۴۸ گفت [فرعون] پس کیست پروردگار شما دو نفر ای موسی ۴۹ گفت [موسی] پروردگار ما کسی است که عطا کرده است

كُلَّ شَيۡءٍ خَلۡقَهُۥ ثُمَّ هَدَىٰ ﴿۵۰﴾ قَالَ فَمَا بَالُ ٱلۡقُرُونِ ٱلۡأُولَىٰ ﴿۵۱﴾
به هر چیزی آفرینش [ویژۀ آن] را سپس راه نموده است ۵۰ گفت پس چیست حال نسل های نخستین؟ ۵۱

قَالَ عِلۡمُهَا عِندَ رَبِّي فِي كِتَٰبٖۖ لَّا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى ﴿٥٢﴾
گفت علم آن نزد پروردگارم است در کتابی که نه خطا می کند پروردگار من و نه فراموش می کند ۵۲

ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ مَهۡدٗا وَسَلَكَ لَكُمۡ فِيهَا سُبُلٗا وَأَنزَلَ
اوست که قرار داد برای شما زمین را بستری و کشیده است برای شما در آن راه ها و فرو فرستاد

مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجۡنَا بِهِۦٓ أَزۡوَٰجٗا مِّن نَّبَاتٖ شَتَّىٰ ﴿٥٣﴾ كُلُواْ
از آسمان آب را پس برآوردیم به سبب آن انواعی از روییدنی های گوناگون ۵۳ بخورید

وَٱرۡعَوۡاْ أَنۡعَٰمَكُمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّأُوْلِي ٱلنُّهَىٰ ﴿٥٤﴾ ۞ مِنۡهَا
و بچرانید چهارپایان خود را همانا در این نشانه هایی است برای صاحبان خرد ۵۴ از زمین

ربع حزب ۳۲

خَلَقۡنَٰكُمۡ وَفِيهَا نُعِيدُكُمۡ وَمِنۡهَا نُخۡرِجُكُمۡ تَارَةً أُخۡرَىٰ ﴿٥٥﴾ وَلَقَدۡ
آفریدیم شما را و در آن برمی گردانیم شما را و از آن بیرون خواهیم آورد شما را بار دیگر ۵۵ و هر آینه

أَرَيۡنَٰهُ ءَايَٰتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ ﴿٥٦﴾ قَالَ أَجِئۡتَنَا لِتُخۡرِجَنَا
بنمودیم به او [فرعون] نشانه های خود همهٔ آن را پس دروغ پنداشت و نپذیرفت ۵۶ گفت آیا آمده ای نزد ما تا بیرون کنی ما را

مِنۡ أَرۡضِنَا بِسِحۡرِكَ يَٰمُوسَىٰ ﴿٥٧﴾ فَلَنَأۡتِيَنَّكَ بِسِحۡرٖ مِّثۡلِهِۦ
از سرزمین ما با جادوی خود ای موسی؟ ۵۷ پس هر آینه می آوریم برای تو جادویی مانند آن را

فَٱجۡعَلۡ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكَ مَوۡعِدٗا لَّا نُخۡلِفُهُۥ نَحۡنُ وَلَآ أَنتَ مَكَانٗا
پس قرار بده بین ما و بین خود وعده گاهی را خلاف نکنیم آن را ما و نه تو درجایی

سُوٗى ﴿٥٨﴾ قَالَ مَوۡعِدُكُمۡ يَوۡمُ ٱلزِّينَةِ وَأَن يُحۡشَرَ ٱلنَّاسُ ضُحٗى
هموار ۵۸ گفت وعده گاه شما روز آرایش [جشن] است و اینکه گردآورده شوند مردم وقت نیمروز

﴿٥٩﴾ فَتَوَلَّىٰ فِرۡعَوۡنُ فَجَمَعَ كَيۡدَهُۥ ثُمَّ أَتَىٰ ﴿٦٠﴾ قَالَ لَهُم
۵۹ پس بازگشت فرعون پس فراهم آورد ترفند خود را سپس بیامد ۶۰ گفت به ایشان

مُّوسَىٰ وَيۡلَكُمۡ لَا تَفۡتَرُواْ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا فَيُسۡحِتَكُم بِعَذَابٖۖ
موسی وای بر شما مبندید بر الله دروغی را پس هلاک گردانند شما را به عذابی

وَقَدۡ خَابَ مَنِ ٱفۡتَرَىٰ ﴿٦١﴾ فَتَنَٰزَعُوٓاْ أَمۡرَهُم بَيۡنَهُمۡ وَأَسَرُّواْ
و هر آینه ناامید شد کسی که دروغ بست ۶۱ پس نزاع کردند در کار خود در میان خویش و پنهان داشتند

ٱلنَّجۡوَىٰ ﴿٦٢﴾ قَالُوٓاْ إِنۡ هَٰذَٰنِ لَسَٰحِرَٰنِ يُرِيدَانِ أَن يُخۡرِجَاكُم
راز [خود را] ۶۲ گفتند همانا این هر دو جادوگرند می خواهند که بیرون کنند شما را

مِّنۡ أَرۡضِكُم بِسِحۡرِهِمَا وَيَذۡهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ ٱلۡمُثۡلَىٰ ﴿٦٣﴾ فَأَجۡمِعُواْ
از سرزمین تان به جادوی خود و براندازند آیین برتر شما را ۶۳ پس گرد آورید

كَيۡدَكُمۡ ثُمَّ ٱئۡتُواْ صَفّٗاۚ وَقَدۡ أَفۡلَحَ ٱلۡيَوۡمَ مَنِ ٱسۡتَعۡلَىٰ ﴿٦٤﴾
نیرنگ خود را سپس بیایید صف کشیده و هر آینه رستگار [پیروز] است امروز آن که برتری یابد ۶۴

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَن تُلْقِيَ وَإِمَّا أَن نَّكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ ﴿۶۵﴾ قَالَ
گفتند ای موسی یا این است که تو افکنی [عصا را] و یا اینکه باشیم [ما] اول کسی که بیفکند ۶۵ گفت

بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِن سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ
بلکه شما افکنید پس ناگهان ریسمان ها و عصاهایشان چنان وانمود شد به موسی از جادوی آنها که می دوند

﴿۶۶﴾ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَىٰ ﴿۶۷﴾ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ
۶۶ پس دریافت [=احساس کرد] در دل خود هراسی را موسی ۶۷ گفتیم مترس همانا

أَنتَ الْأَعْلَىٰ ﴿۶۸﴾ وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا
تویی برتر ۶۸ و بیفکن آنچه در دست راست توست تا فروبرد چیزی را که ساخته اند همانا آنچه ساخته اند

كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ ﴿۶۹﴾ فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سُجَّدًا
ترفند جادوگری است و رستگار نمی شود جادوگر هرجا که آید ۶۹ پس افتادند جادوگران سجده کنان

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ ﴿۷۰﴾ قَالَ آمَنتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ
گفتند ایمان آوردیم به پروردگار هارون و موسی ۷۰ گفت [فرعون] باور کردید به او پیش از آنکه اجازه بدهم

لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ
شما را؟ همانا وی بزرگ شما است که آموخته است به شما جادو را پس هر آینه قطع می کنم دست ها

وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ
و پاهای شما را برخلاف یکدیگر و هر آینه بردار می کشم شما را در تنه‌های خرما و هر آینه خواهید دانست

أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَىٰ ﴿۷۱﴾ قَالُوا لَن نُّؤْثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ
که عذاب کدام ما سخت تر و پاینده تر است ۷۱ گفتند هرگز ترجیح نمی دهیم تو را بر آنچه برای ما آمده است از

الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَٰذِهِ
دلایل روشن وبر آن کس که ما را آفرید پس حکم بکن هرچه را حکم کننده ای جز این نیست تو حکم می کنی در این

الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿۷۲﴾ إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا
زندگانی دنیا ۷۲ همانا ما ایمان آوردیم به پروردگارمان تا ببخشد برای ما گناهان ما را و آنچه مجبور کردی ما را

عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ﴿۷۳﴾ إِنَّهُ مَن يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا
بر آن از جادو و الله بهتر و پاینده تر است ۷۳ همانا کسی که بیاید نزد پروردگار خود گنهکار

فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ﴿۷۴﴾ وَمَن يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ
پس همانا برای او است دوزخ نه می میرد در آن ونه زندگی می کند ۷۴ و آن که نزد او آید ایمان آورنده که

عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ ﴿۷۵﴾ جَنَّاتُ عَدْنٍ
کرده باشد کارهای شایسته پس آنان برای آنهاست درجات بلندتر ۷۵ باغ‌هایی پاینده

تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ مَن تَزَكَّىٰ ﴿۷۶﴾
که می رود زیر آنها نهرها درحالی که جاودان اند در آن و این است پاداش کسی که پاکی ورزد ۷۶

وَلَقَدۡ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَسۡرِ بِعِبَادِي فَٱضۡرِبۡ لَهُمۡ طَرِيقٗا
و هر آینه وحی فرستادیم به سوی موسی که شبانه ببر بندگان مرا پس باز کن برای ایشان راهی

فِي ٱلۡبَحۡرِ يَبَسٗا لَّا تَخَٰفُ دَرَكٗا وَلَا تَخۡشَىٰ ﴿٧٧﴾ فَأَتۡبَعَهُمۡ فِرۡعَوۡنُ
در دریا خشک نترسی از رسیدن [فرعونیان] و نهراسی [از غرق شدن] ﴿۷۷﴾ پس دنبال کردند ایشان را فرعون

بِجُنُودِهِۦ فَغَشِيَهُم مِّنَ ٱلۡيَمِّ مَا غَشِيَهُمۡ ﴿٧٨﴾ وَأَضَلَّ فِرۡعَوۡنُ قَوۡمَهُۥ
با لشکرهای خود پس فراگرفت آنان را از دریا آنچه فراگرفت آنان را ﴿۷۸﴾ و گمراه کرد فرعون قوم خود را

وَمَا هَدَىٰ ﴿٧٩﴾ يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ قَدۡ أَنجَيۡنَٰكُم مِّنۡ عَدُوِّكُمۡ وَوَٰعَدۡنَٰكُمۡ
و هدایت نکرد ﴿۷۹﴾ ای بنی اسرائیل هر آینه نجات دادیم شما را از دشمن تان و وعده دادیم شما را

جَانِبَ ٱلطُّورِ ٱلۡأَيۡمَنَ وَنَزَّلۡنَا عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَنَّ وَٱلسَّلۡوَىٰ ﴿٨٠﴾ كُلُواْ
در طرف راست کوه طور و نازل کردیم بر شما ترنجبین و بلدرچین را ﴿۸۰﴾ [گفتیم] بخورید

مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ وَلَا تَطۡغَوۡاْ فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيۡكُمۡ غَضَبِيۖ
از پاکیزه های آنچه روزی دادیم شما را و از حدّ مگذرید در آن پس فرود خواهد آمد بر شما خشم من

وَمَن يَحۡلِلۡ عَلَيۡهِ غَضَبِي فَقَدۡ هَوَىٰ ﴿٨١﴾ وَإِنِّي لَغَفَّارٞ لِّمَن تَابَ
و کسی که فرود آید بر وی خشم من پس به تحقیق هلاک شود ﴿۸۱﴾ و همانا من آمرزندهٔ آن کس هستم که توبه کند

نصف حزب ۳۲

وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا ثُمَّ ٱهۡتَدَىٰ ﴿٨٢﴾ ۞ وَمَآ أَعۡجَلَكَ عَن
و ایمان آوَرَد و کند کارشایسته سپس در راه راست بماند ﴿۸۲﴾ و چه چیز به شتاب آورد تو را از

قَوۡمِكَ يَٰمُوسَىٰ ﴿٨٣﴾ قَالَ هُمۡ أُوْلَآءِ عَلَىٰٓ أَثَرِي وَعَجِلۡتُ إِلَيۡكَ
قومت ای موسی؟ ﴿۸۳﴾ گفت ایشان همینان اند که در پی من [روانند] و شتافتم به سوی تو

رَبِّ لِتَرۡضَىٰ ﴿٨٤﴾ قَالَ فَإِنَّا قَدۡ فَتَنَّا قَوۡمَكَ مِنۢ بَعۡدِكَ وَأَضَلَّهُمُ
[ای] پروردگار من تا خوشنود شوی ﴿۸۴﴾ گفت همانا ما آزمودیم قوم تو را بعد از تو و گمراه کرد آنها را

ٱلسَّامِرِيُّ ﴿٨٥﴾ فَرَجَعَ مُوسَىٰٓ إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ غَضۡبَٰنَ أَسِفٗاۚ قَالَ
سامری ﴿۸۵﴾ پس بازگشت موسی به سوی قوم خود خشمناک اندوهناک گفت

يَٰقَوۡمِ أَلَمۡ يَعِدۡكُمۡ رَبُّكُمۡ وَعۡدًا حَسَنًاۚ أَفَطَالَ عَلَيۡكُمُ
ای قوم من آیا وعده نداده بود شما را پروردگارتان وعده ای نیکو؟ آیا دراز شد بر شما

ٱلۡعَهۡدُ أَمۡ أَرَدتُّمۡ أَن يَحِلَّ عَلَيۡكُمۡ غَضَبٞ مِّن رَّبِّكُمۡ فَأَخۡلَفۡتُم
آن پیمان یا خواستید که فرود آید بر شما غضبی از پروردگارتان پس خلاف کردید

مَّوۡعِدِي ﴿٨٦﴾ قَالُواْ مَآ أَخۡلَفۡنَا مَوۡعِدَكَ بِمَلۡكِنَا وَلَٰكِنَّا حُمِّلۡنَآ
وعده ام را ﴿۸۶﴾ گفتند خلاف نکردیم وعدهٔ تو را به اختیار خود و لیکن بر ما نهادند

أَوۡزَارٗا مِّن زِينَةِ ٱلۡقَوۡمِ فَقَذَفۡنَٰهَا فَكَذَٰلِكَ أَلۡقَى ٱلسَّامِرِيُّ ﴿٨٧﴾
بارهای سنگین از زیور قوم فرعون پس بیفکندیم آن را پس این گونه [در آتش] انداخت سامری [آنچه با خود داشت] ﴿۸۷﴾

فَأَخۡرَجَ لَهُمۡ عِجۡلٗا جَسَدٗا لَّهُۥ خُوَارٞ فَقَالُواْ هَٰذَآ إِلَٰهُكُمۡ

پس بیرون آورد برای ایشان گوساله ای را کالبدی که او را بانگ [گوساله] بود پس گفتند این است اله شما

وَإِلَٰهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ ﴿٨٨﴾ أَفَلَا يَرَوۡنَ أَلَّا يَرۡجِعُ إِلَيۡهِمۡ قَوۡلٗا وَلَا

و اله موسی که [موسی او را] فراموش کرده است ﴿۸۸﴾ آیا نمی بینند که [آن گوساله] برنمی گرداند به ایشان سخنی را و

يَمۡلِكُ لَهُمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗا ﴿٨٩﴾ وَلَقَدۡ قَالَ لَهُمۡ هَٰرُونُ مِن قَبۡلُ

در اختیار ندارد برای ایشان ضرر و نه نفعی را ﴿۸۹﴾ و هر آینه گفته بود به ایشان هارون پیش از این [پیش از بازگشت موسی]

يَٰقَوۡمِ إِنَّمَا فُتِنتُم بِهِۦۖ وَإِنَّ رَبَّكُمُ ٱلرَّحۡمَٰنُ فَٱتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوٓاْ

ای قوم من جز این نیست که آزمایش شدید به آن [گوساله] و همانا پروردگار شما [الله] مهرگستر است پس پیروی من کنید و اطاعت کنید

أَمۡرِي ﴿٩٠﴾ قَالُواْ لَن نَّبۡرَحَ عَلَيۡهِ عَٰكِفِينَ حَتَّىٰ يَرۡجِعَ إِلَيۡنَا مُوسَىٰ

فرمان مرا ﴿۹۰﴾ گفتند ما پیوسته می مانیم براو مقیمان [= ملازم تعظیم او خواهیم بود] تا اینکه برگردد به سوی ما موسی

﴿٩١﴾ قَالَ يَٰهَٰرُونُ مَا مَنَعَكَ إِذۡ رَأَيۡتَهُمۡ ضَلُّوٓاْ ﴿٩٢﴾ أَلَّا تَتَّبِعَنِۖ

﴿۹۱﴾ گفت [موسی] ای هارون چه چیز بازداشت تو را وقتی که دیدی ایشان را که گمراه شدند ﴿۹۲﴾ که از من پیروی نکنی

أَفَعَصَيۡتَ أَمۡرِي ﴿٩٣﴾ قَالَ يَبۡنَؤُمَّ لَا تَأۡخُذۡ بِلِحۡيَتِي وَلَا بِرَأۡسِيٓۖ

آیا نافرمانی کردی فرمان مرا؟ ﴿۹۳﴾ گفت ای پسرمادرم مگیر ریش مرا و نه [موی] سرم را

إِنِّي خَشِيتُ أَن تَقُولَ فَرَّقۡتَ بَيۡنَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَلَمۡ تَرۡقُبۡ

همانا من ترسیدم که بگویی جدایی انداختی میان بنی اسرائیل و نگاه نداشتی

قَوۡلِي ﴿٩٤﴾ قَالَ فَمَا خَطۡبُكَ يَٰسَٰمِرِيُّ ﴿٩٥﴾ قَالَ بَصُرۡتُ

سخنم را ﴿۹۴﴾ گفت [موسی] این چه کاری است که تو کردی ای سامری؟ ﴿۹۵﴾ گفت دیدم

بِمَا لَمۡ يَبۡصُرُواْ بِهِۦ فَقَبَضۡتُ قَبۡضَةٗ مِّنۡ أَثَرِ ٱلرَّسُولِ

چیزی را که دیگران ندیدند آن را پس گرفتم مشتی [خاک] را از زیر پای آن فرستاده [جبرئیل]

فَنَبَذۡتُهَا وَكَذَٰلِكَ سَوَّلَتۡ لِي نَفۡسِي ﴿٩٦﴾ قَالَ

و آن را افکندم [در کالبد آن گوساله] و این چنین بیاراست برایم نفس من ﴿۹۶﴾ گفت

فَٱذۡهَبۡ فَإِنَّ لَكَ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ أَن تَقُولَ لَا مِسَاسَۖ وَإِنَّ لَكَ

موسی پس برو [دور شو] همانا برای تو در زندگی [سزا این است] که بگویی تماس ممنوع [= به من دست نزنید] و همانا برای تو

مَوۡعِدٗا لَّن تُخۡلَفَهُۥۖ وَٱنظُرۡ إِلَىٰٓ إِلَٰهِكَ ٱلَّذِي ظَلۡتَ عَلَيۡهِ

وعده گاهی است که هرگز با تو خلاف نمی شود آن و بنگر به سوی اله خود که پیوسته بر او

عَاكِفٗاۖ لَّنُحَرِّقَنَّهُۥ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُۥ فِي ٱلۡيَمِّ نَسۡفًا ﴿٩٧﴾ إِنَّمَآ

مقیم بودی [و آن را تعظیم می کردی] هر آینه می سوزانیم آن را سپس می پاشیم آن را در دریا پاشیدنی ﴿۹۷﴾ جز این نیست که

إِلَٰهُكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ وَسِعَ كُلَّ شَيۡءٍ عِلۡمٗا ﴿٩٨﴾

اله شما الله است که نیست الهی جز او فراگرفته است همه چیز را علم [او] ﴿۹۸﴾

كَذَٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَآءِ مَا قَدْ سَبَقَ ۚ وَقَدْ ءَاتَيْنَٰكَ مِن لَّدُنَّا
این چنین حکایت می کنیم بر تو از خبرهای آنچه گذشته است و هر آینه دادیم به تو از نزد خودمان
ذِكْرًا ﴿۹۹﴾ مَّنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُۥ يَحْمِلُ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وِزْرًا
پندی را ۹۹ کسی که روبگرداند از آن پس همانا وی برمی دارد در روز رستاخیز باری را
﴿۱۰۰﴾ خَٰلِدِينَ فِيهِ ۖ وَسَآءَ لَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ حِمْلًا ﴿۱۰۱﴾ يَوْمَ يُنفَخُ
۱۰۰ درحالی که جاویدانند در آن و بد است برای شان در روز رستاخیز [آن] بار ۱۰۱ روزی که دمیده شود
فِى ٱلصُّورِ ۚ وَنَحْشُرُ ٱلْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ﴿۱۰۲﴾ يَتَخَٰفَتُونَ
در صور و محشور کنیم [برانگیزیم] بزهکاران را آن روز[به حالت] کبود رنگ ۱۰۲ آهسته می گویند
بَيْنَهُمْ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ﴿۱۰۳﴾ نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ
میان خویش که درنگ نکردید [در دنیا]مگر ده روز را ۱۰۳ ما داناتریم به آنچه می گویند آنگاه گوید
أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا ﴿۱۰۴﴾ وَيَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْجِبَالِ
راه یافته ترین شان درنگ نکردید مگر روزی را ۱۰۴ و می پرسند از تو درباره [احوال] کوه ها
فَقُلْ يَنسِفُهَا رَبِّى نَسْفًا ﴿۱۰۵﴾ فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ﴿۱۰۶﴾
پس بگو پراکنده کند آنها را پروردگار من پراکنده کردنی ۱۰۵ پس وامی گذارد آنها را به صورت دشتی هموار ۱۰۶
لَّا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَلَآ أَمْتًا ﴿۱۰۷﴾ يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ ٱلدَّاعِىَ
که نمی بینی در آن کجی ونه بلندی را ۱۰۷ در آن روز پیروی می کنند آن دعوت کنندهٔ [حق] را
لَا عِوَجَ لَهُۥ ۖ وَخَشَعَتِ ٱلْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَٰنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا
که هیچ انحرافی ندارد و پست می شود آوازها از ترس [الله] مهرگستر و نمی شنوی مگر نوایی نرم
﴿۱۰۸﴾ يَوْمَئِذٍ لَّا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ وَرَضِىَ لَهُۥ
۱۰۸ در آن روز سودی ندارد شفاعت مگر [شفاعت] کسی که اجازه داده باشد به او [الله] مهرگستر و پسندیده باشد
قَوْلًا ﴿۱۰۹﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِۦ
سخن [او] را ۱۰۹ می داند آنچه را پیش روی ایشان و آنچه را پشت ایشان است و [ایشان] احاطه نیابند به او
عِلْمًا ﴿۱۱۰﴾ ۞ وَعَنَتِ ٱلْوُجُوهُ لِلْحَىِّ ٱلْقَيُّومِ ۖ وَقَدْ خَابَ مَنْ
در دانش ۱۱۰ و فروتن شوند چهره ها در برابر آن زندهٔ پایدار و هر آینه ناامید و محروم گردد آن که
سه چهارم حزب ۳۲
حَمَلَ ظُلْمًا ﴿۱۱۱﴾ وَمَن يَعْمَلْ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا
برداشته بار ستمی را ۱۱۱ و هرکه کند چیزی از کارهای شایسته درحالی که او مؤمن[هم] باشد پس نه
يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا ﴿۱۱۲﴾ وَكَذَٰلِكَ أَنزَلْنَٰهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا
هراسی دارد از ستمی و نه کاستن [پاداش] ۱۱۲ و این چنین فروفرستادیم آن را قرآنی به زبان عربی
وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ ٱلْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا ﴿۱۱۳﴾
و گوناگون آوردیم در آن [سخنان] بیم آور باشد که ایشان بپرهیزند یا پدید آورد برای ایشان پندی را ۱۱۳

فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلْمَلِكُ ٱلْحَقُّ ۗ وَلَا تَعْجَلْ بِٱلْقُرْءَانِ مِن قَبْلِ أَن
پس بلندمرتبه است الله آن فرمانروای به حق و شتاب مکن به [خواندن] قرآن پیش از آنکه

يُقْضَىٰٓ إِلَيْكَ وَحْيُهُۥ ۖ وَقُل رَّبِّ زِدْنِى عِلْمًا ﴿١١٤﴾ وَلَقَدْ عَهِدْنَآ
پایان پذیرد به سوی تو وحی آن و بگو [ای] پروردگارم زیاده کن مرا دانش ﴿۱۱۴﴾ و هر آینه ما سفارش کردیم

إِلَىٰٓ ءَادَمَ مِن قَبْلُ فَنَسِىَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُۥ عَزْمًا ﴿١١٥﴾ وَإِذْ قُلْنَا
به آدم پیش از این پس فراموش نمود و نیافتیم برای او اراده‌ای استوار را ﴿۱۱۵﴾ و[یاد کن] آنگاه که گفتیم

لِلْمَلَٰٓئِكَةِ ٱسْجُدُوا۟ لِءَادَمَ فَسَجَدُوٓا۟ إِلَّآ إِبْلِيسَ أَبَىٰ
به فرشتگان که سجده کنید برای آدم پس به سجده افتادند مگر ابلیس که سرباز زد

﴿١١٦﴾ فَقُلْنَا يَٰٓـَٔادَمُ إِنَّ هَٰذَا عَدُوٌّ لَّكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا
﴿۱۱۶﴾ پس گفتیم ای آدم همانا این دشمن است برای تو و همسرت پس نباید که بیرون کند شما را

مِنَ ٱلْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰٓ ﴿١١٧﴾ إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ ﴿١١٨﴾
از بهشت که در رنج افتی ﴿۱۱۷﴾ همانا برای توست اینکه نه گرسنه شوی در آن و نه برهنه گردی ﴿۱۱۸﴾

وَأَنَّكَ لَا تَظْمَؤُا۟ فِيهَا وَلَا تَضْحَىٰ ﴿١١٩﴾ فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ
و اینکه تو تشنه نمی شوی در آن و نه در گرمی آفتاب بمانی ﴿۱۱۹﴾ پس وسوسه کرد در دل او

ٱلشَّيْطَٰنُ قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ ٱلْخُلْدِ وَمُلْكٍ
شیطان گفت ای آدم آیا رهنمون شوم تو را به درخت جاودانگی و پادشاهی ای که

لَّا يَبْلَىٰ ﴿١٢٠﴾ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْءَٰتُهُمَا وَطَفِقَا
نفرساید؟ ﴿۱۲۰﴾ پس خوردند از آن پس ظاهر شد برای هر دو شرمگاه ایشان و آغاز کردند

يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ ٱلْجَنَّةِ ۚ وَعَصَىٰٓ ءَادَمُ رَبَّهُۥ فَغَوَىٰ ﴿١٢١﴾
که بچسبانند بر خود از برگ‌های [درخت]بهشت و نافرمانی کرد آدم پروردگار خودرا پس به بیراهه رفت ﴿۱۲۱﴾

ثُمَّ ٱجْتَبَٰهُ رَبُّهُۥ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ ﴿١٢٢﴾ قَالَ ٱهْبِطَا مِنْهَا
باز برگزید او را پروردگارش پس پذیرفت توبهٔ او را و راه نمود ﴿۱۲۲﴾ گفت فرودآیید از اینجا

جَمِيعًۢا ۖ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۖ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّى هُدًى
هر دو با هم که برخی از شما برای برخی دیگر دشمن است پس اگر برسد به شما از طرف من هدایتی

فَمَنِ ٱتَّبَعَ هُدَاىَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ ﴿١٢٣﴾ وَمَنْ أَعْرَضَ عَن
پس کسی که پیروی کند هدایت مرا پس نه گمراه شود و نه رنج کشد ﴿۱۲۳﴾ و کسی که روبگرداند از

ذِكْرِى فَإِنَّ لَهُۥ مَعِيشَةً ضَنكًا وَنَحْشُرُهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ
یاد من پس همانا برای اوست زندگی ای تنگ و برانگیزانیم او را در روز رستاخیز

أَعْمَىٰ ﴿١٢٤﴾ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِىٓ أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنتُ بَصِيرًا ﴿١٢٥﴾
کور ﴿۱۲۴﴾ گوید [ای] پروردگار من چرا برانگیختی مرا کور حال آنکه بودم بینا ﴿۱۲۵﴾

قَالَ كَذَٰلِكَ أَتَتْكَ ءَايَٰتُنَا فَنَسِيتَهَا ۖ وَكَذَٰلِكَ ٱلْيَوْمَ تُنسَىٰ ﴿۱۲۶﴾ وَكَذَٰلِكَ
گوید این گونه آمد برای تو نشانه های ما پس فراموش کردی آنها را و این چنین امروز فراموش می شوی ﴿۱۲۶﴾ و این چنین

نَجْزِى مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنۢ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ ۚ وَلَعَذَابُ ٱلْءَاخِرَةِ أَشَدُّ
کیفر می دهیم کسی را که از اندازه بگذرد و ایمان نیاورد به نشانه های پروردگار خود و هر آینه عذاب آخرت سخت تر

وَأَبْقَىٰٓ ﴿۱۲۷﴾ أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ ٱلْقُرُونِ يَمْشُونَ
و پایدارتر است ﴿۱۲۷﴾ پس آیا راهگشا نبوده است برای آنها چه بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان نسل ها را که [اینان هم اکنون] گام می زنند

فِى مَسَٰكِنِهِمْ ۗ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّأُو۟لِى ٱلنُّهَىٰ ﴿۱۲۸﴾ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ
در منزلگاههایشان همانا در این نشانه هایی است برای خردمندان ﴿۱۲۸﴾ و اگر نمی بود سخنی که

سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى ﴿۱۲۹﴾ فَٱصْبِرْ عَلَىٰ
پیشی گرفته بود از جانب پروردگارت هر آینه [آن عذاب هم اکنون] لازم می شد و [اگر نمی بود] سرآمدی معین ﴿۱۲۹﴾ پس صبر کن بر

مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ ٱلشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا ۖ
آنچه می گویند و تسبیح گوی با ستایش پروردگارت پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب آن

وَمِنْ ءَانَآئِ ٱلَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ ٱلنَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ ﴿۱۳۰﴾ وَلَا
و برخی ساعت های شب پس تسبیح کن و [نیز] در لحظه های روز باشد که تو خشنود شوی ﴿۱۳۰﴾ و

تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِۦٓ أَزْوَٰجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا
خیره مکن چشمت را به چیزی که بهره مند ساختیم به آن گروه هایی را از ایشان از آرایش زندگانی دنیا

لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۚ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ﴿۱۳۱﴾ وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِٱلصَّلَوٰةِ
تا بیازماییم ایشان را در آن و روزی پروردگار تو بهتر و پاینده تر است ﴿۱۳۱﴾ و فرمان ده خانوادهٔ خود را به نماز

وَٱصْطَبِرْ عَلَيْهَا ۖ لَا نَسْـَٔلُكَ رِزْقًا ۖ نَّحْنُ نَرْزُقُكَ ۗ وَٱلْعَٰقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ
و خود [نیز] شکیبا باش بر آن نمی طلبیم از تو روزی را ما روزی می دهیم تو را و عاقبت نیک برای [اهل] تقوا است

﴿۱۳۲﴾ وَقَالُوا۟ لَوْلَا يَأْتِينَا بِـَٔايَةٍ مِّن رَّبِّهِۦٓ ۚ أَوَلَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَةُ مَا فِى
﴿۱۳۲﴾ و [مردم] می گویند چرا نمی آورد برای ما نشانه ای را از پروردگار خود؟ آیا نرسیده است به ایشان نشانهٔ آنچه در

ٱلصُّحُفِ ٱلْأُولَىٰ ﴿۱۳۳﴾ وَلَوْ أَنَّآ أَهْلَكْنَٰهُم بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِۦ
کتاب های پیشین است؟ ﴿۱۳۳﴾ و اگر همانا ما هلاک می کردیم ایشان را به عذابی پیش از این

لَقَالُوا۟ رَبَّنَا لَوْلَآ أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ ءَايَٰتِكَ مِن
البته می گفتند [ای] پروردگارما چرا نفرستادی به سوی ما پیامبری را تا پیروی کنیم آیات تو را پیش

قَبْلِ أَن نَّذِلَّ وَنَخْزَىٰ ﴿۱۳۴﴾ قُلْ كُلٌّ مُّتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا۟ ۖ
از آنکه ذلیل شویم و رسوا گردیم؟ ﴿۱۳۴﴾ بگو هر یک [از ما و شما] منتظر است پس شما هم منتظر باشید

فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَٰبُ ٱلصِّرَٰطِ ٱلسَّوِىِّ وَمَنِ ٱهْتَدَىٰ ﴿۱۳۵﴾
پس زودا که خواهید دانست که چه کسانی رهروان راه درست اند و چه کسانی راه یافته اند ﴿۱۳۵﴾